

سیر تاریخ‌نگاری شیعه در پنج قرن نخست براساس دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی

nilsaz@modares.ac.ir

arajaei@chmail.ir

نصرت نیلساز / استادیار دانشگاه تربیت مدرس

ابوالفضل رجائی فرد / کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش: ۹۷/۴/۲۷

دریافت: ۹۶/۱۱/۱۲

چکیده

علم تاریخ در میان شیعیان از چه اهمیتی برخوردار بوده است؟ چه موضوعات تاریخی توجه آنان را در ادوار نخست برانگیخته است؟ سیر هرگونه تألیفی در بستر زمان و نقش حوزه‌های حدیثی در شکل‌گیری آن به چه صورت بوده است؟ این پرسش‌ها مسائل این پژوهش به‌شمار می‌آید تا در پرتو آن، تاریخچه علم تاریخ در میان شیعیان و نظرگاه آنان به این علم روشن گردد. یافته‌های این پژوهش گویای آن است که برای مؤلفان و مورخان شیعی، غالباً تاریخ تشیع (یعنی: زندگانی ائمه اطهار^{علیهم‌السلام}) بر تاریخ جهان اسلام اولویت داشته است. بدین‌روی، وقایعی که رابطه تنگاتنگی با تاریخ تشیع داشته مطمح‌نظر عالمان شیعه برای تألیف اثر بوده است. سیر تاریخی تألیف آثار نشانگر آن است که شکل‌گیری هر یک از موضوعات تاریخی در بستر زمان، روند یکسانی نداشته و با اقبال و ادبار از سوی عالمان مواجه بوده است. همچنین حوزه‌های حدیثی شیعه در شکل‌گیری این آثار نقش‌های متفاوتی با یکدیگر داشته‌اند و در مجموع، تاریخ‌نگاری شیعه در پنج سده نخست، مرهون تلاش‌های عالمان مراکز علمی حوزه عراق، به‌ویژه مکتب کوفه، بوده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری، حوزه‌های حدیثی، فهرست نجاشی، فهرست شیخ طوسی، پنج قرن نخست.

مقدمه

ارجاعات مکرر به این دو اثر خودداری شده است، همچنین چون در بیان سیر تاریخی - جغرافیایی تألیفات، نیاز به زمان و مکان مؤلفان وجود دارد و در دو فهرست مذکور تاریخ وفات و جغرافیای مکان مؤلفان در بیشتر موارد ذکر نشده یا تنها به یکی از این دو اشاره گردیده، نگارنده برای کشف زمان و مکان مؤلفان، از سایر کتب رجال و تراجم بهره گرفته است. از این رو، فقط در مواردی که زمان و مکان مؤلف خارج از این دو فهرست باشد، بلافاصله بعد از ذکر تاریخ وفات یا مکان مؤلف، منبع استفاده شده ذکر گردیده است.

۱. گزارشی اجمالی از تاریخ نگاری و تاریخ نگاران

شیعه در دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی

براساس دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی شروع فعالیت عالمان شیعه در عرصه تاریخ نگاری، به پیش از دوران تدوین رسمی علوم اسلامی (نیمه نخست قرن دوم) بازمی‌گردد. سده نخست هجری عصر پرمحتی برای شیعیان بود و آنان از آزادی عمل برخوردار نبودند، اما تألیفات نگاشته شده در همین دوره، که نامشان در فهرس منعکس گردیده، از تأثیرناپذیری آنان از جو حاکم بر آن دوران (منع نگارش) حکایت دارد؛ چنان که طبقه‌بندی زمانی آثار تاریخی دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی مصداق بارزی از این دوران است. برای نمونه کتاب *سُلیم بن قیس هلالی* (م ۷۶ق)، جدای از آنکه عالمان شیعه آن را نخستین اثر در میان آثار متقدمان شیعه برشمرده‌اند (ابن ندیم، بی تا، ص ۲۷۵)، ذکر مسائلی چون، وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ و دوران خلافت امیرمؤمنان علی ؑ نشان از ساختار تاریخی این کتاب دارد. بنابراین، باید تألیف آن را سرآغازی بر تلاش عالمان شیعه در زمینه تاریخ نگاری به‌شمار آورد. از این رو، باید گفت حوزه تاریخ نگاری جزو نخستین حوزه‌هایی بود که عالمان شیعه بدان اقبال کردند و در آن دست به تألیف زدند و حضورشان در این زمینه در سده‌های بعد چشمگیر بود، به گونه‌ای که در دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی، از ۱۵۷ عالم شیعی در این عرصه نام برده شده است که اهمیت و جایگاه حوزه تاریخ را نزد عالمان شیعه می‌رساند.

گزارش نجاشی و شیخ طوسی از ۱۵۷ عالم تاریخ نگار شیعه و تألیفات آنها در این پنج قرن، هرچند شباهت‌های زیادی به هم دارد،

شیعیان همواره در ادوار تاریخ، به‌رغم محدودیت‌ها و خطرات فراوان، در حفظ میراث علمی شیعه، چه به شکل شفاهی و چه مکتوب، بسیار کوشیدند. تلاش‌های مستمر آنان در شرایط زمانی و مکانی متفاوت (کوفه، بغداد، بصره، قم، ری، سمرقند) و در حوزه‌های تألیفی گوناگون، هزاران اثر ارزشمند به دنبال داشت. هرچند اکنون تمام این میراث علمی در اختیار نیست، ولی فهرست نگاران متقدمی همچون شیخ طوسی و نجاشی به میزان دسترسی‌شان، به گزارش این میراث مکتوب تا اواسط سده پنجم هجری پرداختند؛ گنجینه‌ای بالغ بر هزاران نگاشته در عرصه‌های گوناگون علوم اسلامی، اعم از تفسیر، فقه، کلام و مانند آن. در این میان، تاریخ نگاری از نخستین حوزه‌هایی است که توجه مؤلفان و مورخان شیعه را به خود معطوف داشت و نگارش آثار متعدد در اعصار گوناگون از سوی آنان، اهمیت و جایگاه حوزه تاریخ را در نظام اندیشه شیعیان نشان می‌دهد. اینکه در دوره‌های زمانی در طول این پنج سده، چه موضوعاتی سبب انگیزه عالمان شیعه در تألیف بوده و شکل‌گیری هریک از این موضوعات در بستر زمان چه روندی را طی کرده و توجه کدام حوزه‌های حدیثی شیعه را به خود جلب نموده و چه عملکردی را از سوی این حوزه‌ها در قبال آن موضوعات، به دنبال داشته است، مسائلی است که این مقاله درصدد تبیین و بررسی آن است.

در خصوص پیشینه این تحقیق، می‌توان به پژوهش‌هایی همچون *منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم*، نوشته محمدرضا هدایت پناه (۱۳۹۵)؛ *تاریخ نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم*، اثر علی امامی‌فر (۱۳۸۳)؛ *تاریخ نگاری شیعیان در سده‌های نخست نگاشته منصور داداش‌نژاد* (۱۳۸۶)؛ و *مقتل نگاری شیعیان از آغاز تا پایان قرن پنجم هجری*، از محمدجواد یآوری سرتختی (۱۳۸۶) اشاره کرد. در این نوشتار، برخلاف پژوهش‌های انجام گرفته، سعی شده است سیر نگاشته‌های تاریخی شیعیان اغلب بر محور ادوار مهم تاریخ بررسی شود و در هر برهه، تألیفات متناسب با آن دوره تاریخی حتی‌المقدور بر اساس موضوع دسته‌بندی گردد؛ و سیرتاریخی تألیفات در هر موضوع با در نظر گرفتن حوزه جغرافیایی آن بیان شود. لازم به ذکر است به سبب امکان جست‌وجو از طریق نرم‌افزارها و برای پرهیز از طولانی شدن مقاله، از آنجاکه در ذکر مؤلفان و تألیفاتشان، مبنا دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی بوده، از

۲. سیر نگاشته‌های تاریخی شیعیان در پنج قرن نخست

محققان، کتاب‌های تاریخی را براساس موضوعات آن به چند دسته تقسیم کرده‌اند؛ مانند سیره‌نگاری، انساب‌نگاری، فتوح‌نگاری، تواریخ عالم، تاریخ‌نگاری محلی، تاریخ‌نگاری دودمانی و غیر آنها (در این باره، ر.ک: روزنتال، ۱۳۶۵؛ آئینه‌وند، ۱۳۸۷). اما همان‌گونه که بیان گردید، این نوشتار بر آن است تا بیشتر تألیفات تاریخی در بستر ادوار مهم تاریخ بررسی شود. بررسی آثار تاریخی شیعیان نشان می‌دهد که تألیفات ایشان به‌طور کلی، حول دو بازه زمانی نگارش یافته است:

(۱) تاریخ پیش از اسلام

(۲) تاریخ پس از اسلام.

۳. دوره پیش از اسلام

تاریخ انبیای گذشته، جنگ‌های پیش از اسلام (ایام‌العرب) و قبایل عرب و همچنین انساب موضوعاتی هستند که تاریخ‌نگاران شیعه در پنج سده نخست در خصوص آنها تألیفات متعددی به نگارش درآورده‌اند.

۳-۱. تاریخ انبیاء

تاریخ انبیاء، که اجمالی از آن در آیات متعدد قرآن بازگو و بدان توجه داده شده (انعام: ۱۱؛ طه: ۱۱۰؛ قمری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۳؛ ج ۲، ص ۶۵)، و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز بدان اهتمام داشته‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۶۳؛ نیز، ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، کتاب النبوة) به‌عنوان شاخه‌ای از علم تاریخ توجه مؤلفان شیعه را نیز برانگیخته است. نگاه به تألیفات نگاشته‌شده در این زمینه، در دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی روشن‌تر آن است که از اواسط قرن سوم، «مکتب کوفه» در عراق و «مکتب اهواز» در ایران، نخستین گام‌ها را در شکل‌گیری آثاری مستقل در این خصوص برداشته‌اند، و علی‌بن مهزیار/هوازی با نگارش کتاب *الأنبياء* در ایران و حسن‌بن موسی الخشاب با اثری به همین عنوان در کوفه (طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۰۹) آغازگران تألیف در این عرصه هستند.

در ادامه و تا انتهای همین سده، روند نگارش این دسته از آثار از دو مکتب کوفه و قم خارج نشد؛ چنان‌که آثار محمدبن/حمیدبن یحیی اشعری قمی (م.ح ۲۷۰ق) (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۳۸)، حمیدبن حسین بن سعید/هوازی (مات بقم و قبره بها - نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۱۸۱)، ابراهیم‌بن سلیمان نهمی کوفی (م.ح ۲۸۰ق) (همان،

اما تفاوت‌هایی نیز دارند. در فهرست شیخ طوسی، از ۴۹ عالم تاریخ‌نگاری که نجاشی از آنان در فهرست خود یاد کرده، نامی به میان نیامده است (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۶۳، ۶۴، ۸۶، ۱۰۰، ۱۳۰، ۱۵۵، ۱۷۵، ۳۱۲، ۴۹۱، ۵۶۰، ۵۶۷، ۵۶۸، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۸۰، ۸۲۵، ۸۹۶، ۹۰۶، ۹۱۲، ۹۱۷، ۱۰۱۷، ۱۱۲۷، ۱۱۶۷) در مقابل، عدم اشاره نجاشی به ۱۰ تاریخ‌نویس که در فهرست شیخ طوسی از آنان یاد شده (طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۱۱۰، ۱۶۰، ۲۲۱، ۲۳۲، ۳۰۱، ۳۵۰، ۴۰۵، ۴۴۹، ۸۷۴، ۸۸۹ و ۹۰۰) از جمله این تفاوت‌هاست.

نکته جالب توجه آن است که در میان افرادی که شیخ طوسی و نجاشی از آنان یاد نکرده‌اند، دو چهره مشهور در تاریخ‌نگاری، یعنی هشام‌بن محمد بن سائب کلبی (م. ۲۰۶ق) و ابوالفرج اصفهانی (م. ۳۵۶ق) به چشم می‌خورد که اولی را شیخ طوسی یاد نکرده است و دومی را نجاشی. در گزارش این دو فهرست در معرفی آثار ۹۸ مؤلف مشترکی که هر دو از آنها نام برده‌اند نیز اختلاف مشاهده می‌شود. شیخ طوسی هر چند از ۳۶ مؤلفی نام برده که نجاشی نیز از آنان یاد کرده، اما به تألیفات تاریخی که نجاشی برای آنان ذکر نموده، مطلقاً اشاره‌ای نداشته است (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۶، ۷۲، ۸۴، ۱۴۶، ۱۹۰، ۳۳۰، ۵۵۵، ۶۱۹، ۸۸۸، ۸۸۹، ۹۱۷، ۹۴۳، ۹۴۹، ۱۰۳۴، ۱۱۰۹، ۱۱۸۱، ...) و همین شیوه برای نجاشی درباره ۴ نویسنده قابل ذکر است (طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۱۱۹، ۱۹۳، ۵۶۰، ۶۵۲). در این بخش، عدم یادکرد شیخ طوسی از تألیفات دو تاریخ‌نگار نام‌آشنای قرن چهارم، عبدالعزیز بن یحیی جلودی (م. ۳۳۲ق)، (آق‌بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۲۵) و علی بن حسین مسعودی (م. ۳۴۶ق) جالب توجه است. شیخ طوسی درباره جلودی تنها به این حد اکتفا کرده: «له کتب فی السیر و الأخبار» و در خصوص مسعودی همین اندازه هم نیاورده و به عبارت «له کتاب» بسنده می‌کند.

بخش دیگر اختلاف گزارش نجاشی و شیخ طوسی به یاد نکردن همه آثار تاریخی مؤلفان بازمی‌گردد؛ بدین صورت که شیخ طوسی در خصوص ۱۵ مؤلف، تنها از برخی تألیفات تاریخی آنان نام برده (طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۱۶۴، ۳۷۹، ۵۸۴، ۵۹۴، ۷۷۳، ۷۷۹، ...) و نجاشی نیز در یک فاصله اندک از شیخ طوسی، به هیچ‌یک از کتب تاریخی نوشته شده توسط ۱۳ مؤلف شیعه اشاره نکرده است (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۷۱، ۲۳۱، ۳۷۷، ۵۷۱، ۶۲۲، ۸۷۳، ۹۰۲، ۹۴۰، ۹۴۵، ۱۰۳۸، ۱۱۴۹، ...).

عالم‌ان ایام در دسترس نیست (سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۶۷) و آنچه باقی مانده حاصل تدوین عالمان عصر اسلامی است، آن هم بر پایه اقوال شفاهی (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۱۳)، ولی با وجود این، برای پی بردن به افکار و عقاید اعراب در دوره جاهلی و نیز آگاهی از شیوه زندگی و روابط میان قبایل (جنگ و صلح‌ها)، روایات ایام‌العرب منبع مهمی به‌شمار می‌آیند (سجادی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۴۹۲).

از سوی دیگر، اگرچه آنچه از نوع تاریخ در میان اعراب رواج داشته انساب و ایام و حروب بوده (زرین کوب، ۱۳۸۷، ص ۸۴) و خاطره این ایام، نخستین ذهنیت تاریخی آنان را شکل می‌دهد (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۱۴)، ولی ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که ماهیت روایات ایام‌العرب، که توسط شاعران با دید قبیله‌گرایانه در پشت جبهه‌های نبرد ساخته می‌شد و در قالب شعر و داستان وارد ادبیات دوران جاهلیت می‌گشت (سجادی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۴۹۲)، با وجود آنکه دارای عناصر تاریخی است، اما به سبب فقدان عنصر زمان در آن، خالی از جوهره تاریخ است بدین روی، هیچ پیوستگی تاریخی میان نقل‌های این وقایع مشاهده نمی‌شود و از این‌رو، صرفاً به حوزه ادبیات تعلق دارد (روزنتال، ۱۳۶۵، ص ۳۳). البته این مطلب (تاریخی نبودن حوادث ایام‌العرب) را نباید به‌مثابه ناکارایی آن در تاریخ‌نگاری اسلامی تلقی کرد. دلیل این امر اثرگذاری این اقوال در نگارش کتب مغازی و فتوحات است.

اگرچه در میان نگاه‌های پرشمار تاریخی شیعیان، تألیفات فراوانی در این زمینه دیده نمی‌شود، ولی با این حال، هشام‌بن محمد کلبی (م ۲۰۶ق) (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۱۰۸)، که نجاشی از او به *العالم بالایام* یاد کرده و نیز محمدبن خالد برقی (م ۲۲۰ق) (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۷۷) عالمانی هستند که آثاری را در دو مکتب کوفه و قم به منصفه ظهور رساندند. از جمله این تألیفات، می‌توان به *کتاب اخبار ربیعه و البسوس و حروب تغلب و بکر*؛ *کتاب اخبار بنی تغلب و آیامهم و أنسابهم*؛ *کتاب حروب الأوس و الخزرج*؛ *کتاب بنی حنیفه* (کتاب ایام بنی حنیفه - ابن ندیم، بی‌تا، ص ۱۰۹) تألیف هشام کلبی؛ و *کتاب حروب الأوس و الخزرج*، تألیف برقی اشاره کرد.

علاوه بر این دو، مسعودی در قرن چهارم در کتاب *مروج الذهب* به طرح مباحث ایام‌العرب در سایر کتاب‌های خود اشاره کرده است؛ مطالبی همچون، یوم هبائه، یوم کلاب، یوم ذی قار، جنگ‌های ذبیان و غطفان و جنگ‌های داحس و غبراء (مسعودی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۰۱).

ص ۴۰۸)، و علی‌بن حسن بن فضال کوفی (م ۲۹۰ق) (نجاشی، ۱۴۰۸ق، پاورقی، ج ۲، ص ۸۳) گویای آن است. در این میان، دو مؤلف مکتب کوفه تک‌نگاری‌هایی همچون *کتاب ارم ذات العماد* و *کتاب اخبار بنی اسرائیل* را به‌طور خاص درباره تاریخ امت‌های انبیای سلف به رشته تحریر درآوردند؛ کاری که مسعودی (م ۳۴۶ق) (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۰) در قرن چهارم در بخش‌هایی از کتاب *مروج الذهب* بدان همت گماشت. در قرن چهارم، از ابتدا تا اواسط آن، بیشترین تلاش‌ها را در این زمینه عالمان حوزه ایران رقم زدند. حوزه‌های قم، سمرقند و قزوین در این دوره شاهد تألیفات عالمانی همچون علی‌بن ابراهیم قمی (زنده تا سال ۳۰۷ق)، محمدبن مسعود عیاشی (م ۳۲۰ق) (بغدادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲) و علی‌بن خاتم قزوینی (زنده در ۳۵۰ق) درباره تاریخ انبیاست. همچنین در میان مؤلفان مذکور، علی‌بن ابراهیم قمی و عیاشی دو تن از مفسرانی هستند که اخبار مربوط به انبیاء در آثار تفسیری‌شان منعکس گشته است (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۱۹). آثار شیعیان در زمینه تاریخ پیامبران براساس گزارش شیخ طوسی و نجاشی از نیمه اول قرن چهارم تجاوز نمی‌کند و آخرین تألیف گزارش شده در این باره، مربوط به مکتب کوفه و عالم این دیار، یعنی علی‌بن احمد کوفی (م ۳۵۲ق) است؛ شخصی که به گفته نجاشی و شیخ طوسی در آخر عمر، دچار انحراف در عقیده گشت و به غلو روی آورد. از این‌رو، نگاه‌هایش از سوی آنان فاقد اعتبار قلمداد شده است. (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۶۸۹؛ طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۳۸۹). هرچند پس از علی‌بن احمد تألیف مستقلی درباره تاریخ انبیاء به رشته تحریر درنیامد؛ ولی مورخی همچون مسعودی در اثرش *اخبار الزمان من الأمم الماضیه و الأحوال الخالیة* - که حاجی خلیفه از آن با تعبیر «کتاباً کبیراً» یاد کرده (حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۵۸) - فصلی را به تاریخ انبیای سلف اختصاص داده (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۳۰)؛ همچنان که این امر در آثار شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) نیز انعکاس یافته است (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۱۹).

۲-۳. ایام‌العرب

هرچند اطلاعات درباره «وقایع بزرگ و درگیری‌های شدید میان قبایل عرب» (ایام‌العرب) (حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۴) اندک است و آگاهی دقیقی مبنی بر وجود مکتوباتی در این باره توسط

۳-۳. انساب‌نگاری

نگاه اسلام با دیدگاه‌های دوره جاهلیت به علم انساب متفاوت بود. اسلام با نگاهی اصلاح طلبانه به علم انساب نگرست و به تغییر نگرش نسبت به آن اقدام نمود. نفی تفاخر و تکاثر بی‌مبنای دوران جاهلیت و تشویق انسان‌ها به شناخت از یکدیگر، نگاه سلبی و نگاه ایجابی اسلام به این علم بود. در روایات نیز یادگیری انساب برای صلّه رحم لازم شمرده شده است (ابن‌هونند، ۱۳۸۷، ص ۲۲۶-۲۲۷؛ عالمی، ۱۳۹۳، ص ۲۶).

عن النبی ﷺ قال: «تَعَلَّمُوا مِنْ أَنْسَابِكُمْ مَا تَصَلُّونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ» (ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۴).

ضرورت استفاده از علم انساب در برخی احکام اسلامی، مثل مسئله ارث، و همچنین اهمیت حفظ انساب اهل بیت پیامبر ﷺ، از دیگر عوامل توجه اسلام به این علم است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۶۹). همین نگاه سبب گردید تا هشت تن از عالمان شیعه به نگارش آثاری در این زمینه رغبت نشان دهند و تألیفاتی را بنگارند. بررسی این آثار در دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی گویای آن است که قرن سوم و مکتوبات هشام‌بن محمد کلبی (۲۰۶ق) سرآغاز شکل‌گیری انساب‌نگاری در میان شیعیان است.

نگارش تألیفات متعددی همچون: *کتاب الجمهرة*، *کتاب المذیل*، *کتاب انساب الأمم*، *کتاب من نسب الی امة من قبائل العرب*، *کتاب اجزاء الخیل*، *کتاب اخبار تنوخ و انسابها*، *کتاب اخبار قریش*، که کتاب اخیر را/بن ندیم به‌عنوان نسب قریش یاد کرده است (ابن ندیم، بی تا، ص ۱۱۰). از سوی هشام، ضمن آنکه وی را پیشگام انساب‌نگاران قرار داد، حوزه عراق و مکتب کوفه (کحاله، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۴۹) را نیز پیش‌قراول حوزه‌های حدیثی در این زمینه نمود. توصیف وی به آگاه‌ترین افراد به علم انساب از سوی ابن‌قتیبّه (دینوری، ۱۹۶۹، ص ۵۳۶) در مقام نظر، و بهره‌گیری قاسم‌بن سلام (۲۲۴ق) از کتب وی در اثرش *النسب* (عالمی، ۱۳۹۳، ص ۹۵) و نیز استفاده ابن‌حجر عسقلانی از کتاب *الجمهرة* او در *الإصابة* (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۴۸) در مقام عمل، بیانگر جایگاه الوالی او در این علم است. محمدبن سلمه بَشکری (۲۳۰ق) (زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۶، ص ۱۴۷) با دو کتاب خود در مکتب کوفه، *واحمدین ابراهیم‌بن حمدون کاتب* (۲۴۱ق) (بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸)، که از ندیمان متوکل بود و نجاشی درباره او آورده است: «کان خصیصاً بسیدنا ابی محمد العسکری ﷺ و ابی الحسن ﷺ»

قبله»، با تألیفات متعدد خود، از جمله: *کتاب بجلیته و انسابها و اخبارها و اشعارها*، *کتاب خنعم و انسابها و اشعارها و کتاب النواقل من العرب و هو کتاب المنال* در بغداد (همان) روند نگارش این دسته از تألیفات را در حوزه عراق پی‌گیری کردند.

آنچه در نیمه دوم این قرن جلب توجه می‌کند تألیف نخستین اثر در خصوص انساب اهل بیت ﷺ با عنوان *کتاب نسب آل ابی‌طالب* توسط یحیی‌بن حسن علوی (۲۷۷ق) (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۷۸) است.

اواخر قرن سوم در مصر (بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۷) علی‌بن احمد علوی عقیقی (۲۹۹ق) کتابی را نگاشت: *شیخ طوسی به نقل از ابن عبدون* درباره مطالب این کتاب چنین آورده است: «فی احادیث العقیقی مناکیر».

قرن چهارم مصادف است با شروع فعالیت حوزه ایران در نگارش کتب انساب و تألیف کتابی با عنوان *انساب الأئمة و موالیدهم الی صاحب الأمر* در منطقه امل (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۸۰) توسط حسن‌بن علی اطروش (۳۰۴ق) (همان). در این قرن بار دیگر در حوزه عراق البته این بار در حوزه بصره، عبدالعزیزبن یحیی جلودی (۳۳۲ق) آثاری را به کتابت رساند. آخرین تألیف بنا به گزارش نجاشی و شیخ طوسی مربوط است به نیمه دوم این سده با عنوان *کتاب نسب ولد معدین عدنان و لمع من اخبارهم و آیامهم* که علی‌بن محمد شمشاطی (م بعد ۳۷۷ق) آن را به رشته تحریر درآورد.

در تحلیل سیر نگارش‌ها در این حوزه می‌توان گفت که بیشتر انساب‌نگاری‌ها در سده سوم هجری بوده و در میان حوزه‌های حدیثی، حوزه عراق بیشترین نقش را در شکل‌گیری این دسته از آثار برعهده داشته است.

در جمع‌بندی و تحلیل تألیفات دوره پیش از اسلام، باید گفت: نگارش تاریخ انبیاء و با اندک فاصله‌ای انساب‌نگاری عمده اقبال عالمان را به تألیف اثر به خود معطوف ساخت و اندک آثار در حوزه ایام‌العرب، از عدم دغدغه‌مندی شیعیان در این زمینه حکایت دارد.

از سوی دیگر، در خصوص این سه موضوع، در سده دوم و پنجم هجری شاهد تألیف هیچ اثری نیستیم و در تمام موضوعات، تألیف آثار از قرن سوم به بعد آغاز گردیده است. درباره نقش حوزه‌های علمی شیعه در نگارش این دست از آثار، باید گفت: تنوع مراکز علمی شیعه بسیار چشمگیر است و فعالیت عالمان کوفه، بغداد، بصره، قم، اهواز، سمرقند، قزوین و امل مؤید این معناست. به تفکیک باید گفت: در میان این مراکز، نقش مکتب کوفه بسیار

۴-۱-۱. سیره‌نگاری

کتاب‌های سیره از نخستین گونه‌های تاریخی هستند که از قرن نخست هجری محل توجه عامه تاریخ‌نگاران مسلمان بوده است. هرچند این تألیفات در ابتدای امر به «مغازی» مشهور بودند، اما تمام مطالب آن در زمینه عنوان کتاب (مطالب جنگی) نبود (راون، ۱۳۹۱، ص ۶؛ سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۶۹)، و دیری نپایید که عنوان «سیره» بر این دسته از آثار نهاده شد (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۴۸). مورخان مسلمان اگرچه در سیره‌نویسی از قرآن کریم الگو گرفتند؛ اما محققان، سابقه تاریخ بومی اعراب (ایام‌العرب) را در شکل‌گیری این دسته از آثار مؤثر می‌دانند (راون، ۱۳۹۱، ص ۱۰)؛ همان‌گونه که بخش دیگری از این سبقه کهن تاریخی (علم‌انساب) را نیز در آن اثرگذار دانسته‌اند (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۳۰؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۲۸۱). اینکه نخستین تلاش‌های انجام‌شده در خصوص کتب سیره از سده اول هجری شروع گردید و به آغازین کتاب *سیره جامع و منظم* از سوی محمدبن اسحاق بن یسار (م ۱۵۱ق) در مکتب مدینه ختم گردید، از جمله زوایای روشن تاریخ‌نگاری اسلامی است (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۶۵).

در باب *سیره‌نگاری در جامعه شیعه* به‌طور خاص، باید گفت که در کنار اهتمام به تعلیم سیره نبوی در دوره امام سجاد (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۹۷) و نقل‌های متعدد در خصوص سیره آن حضرت از سوی امام باقر (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۱۷؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۳)، اصحاب و مؤلفان مکتب اهل‌بیت نیز در ادوار گوناگون، به نگارش آثاری در این زمینه مبادرت ورزیده‌اند. بخش سیره پیامبر در سیزده سال مکه، که از آن در تألیفات تاریخ‌نگاری به «مبعث» یاد می‌گردد (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۴۸)، محتوای نخستین اثر (یا جزو اولین تألیفات) سیره‌نگاری شیعیان محسوب می‌شود که نجاشی با ذکر کتاب *مبعث النبی* و *اخباره*، اثر *عبدالله بن میمون بن قلاح مکی* (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۱) (م ۱۴۸ق) از آن نام برده است. در همین ایام، *ابومخنف زدی* (م ۱۵۷ق) (حموی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۷، ص ۴۱) در مکتب کوفه با نگارش «کتاب المغازی» ادامه سیره نبوی از بعد هجرت را (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۴۸) به تصویر کشید. بررسی دو فهرست *شیخ طوسی* و *نجاشی* بیانگر ادامه فعالیت عالمان مکتب کوفه در سیره‌نگاری است که نمود برجسته آن، دومین کتاب جامع سیره‌نگاری بعد از *سیره ابن‌اسحاق* است.

پرننگ و درخور توجه است؛ به‌گونه‌ای که شروع نگارش‌ها در تمام مباحث، از این شهر بوده و بیشترین تألیفات نیز به همین مرکز تعلق دارد. البته عالمان این دیار خود در تألیف کتاب در خصوص این سه مبحث عملکردهای متفاوتی نشان داده‌اند؛ مثلاً، در نگارش «تاریخ انبیاء»، در دو قرن سوم و چهارم، مؤلفان کوفی فعال بودند؛ اما در دو مبحث «ایام‌العرب» و «انساب‌نگاری» تنها در سده سوم شاهد نگارش اثری در این مکتب هستیم. دیگر مراکز علمی حوزه عراق، مثل بغداد و بصره، نقش کم‌فروغی در این دست آثار داشته‌اند و این امر از مشارکت عالمان این دو مرکز تنها در نگارش کتب انساب قابل مشاهده است. نقش عالمان حوزه ایران در نگارش این سه مبحث نیز متفاوت بود؛ چنان‌که در تألیف کتاب‌های ایام‌العرب و انساب، تنها شاهد حضور یک مؤلف در هریک از این دو مبحث هستیم که - به ترتیب - *محمدبن خالد برقی* و *حسن بن علی اطروش* در دو مکتب قم و آمل به این مباحث توجه داشته‌اند. اما در تألیف تاریخ انبیا، حضور مراکز علمی حوزه ایران در دو قرن سوم و چهارم بسیار جلب توجه می‌کند. در میان مراکز علمی ایران، در نگارش این دسته از کتب تاریخی، نقش مکتب قم بیش از دیگر مراکز به چشم می‌آید.

۴. دوره پس از اسلام

در دوران پس از اسلام نگاشته‌های مؤلفان و مورخان شیعه بر محور پنج دوره مهم سامان یافته است: ۱. دوران پیامبر؛ ۲. دوران خلفا؛ ۳. دوران ائمه اطهار (ع)؛ ۴. دوران بنی‌امیه؛ ۵. دوران بنی‌عباس. لازم به ذکر است که هرچند دوران زندگانی ائمه اطهار (ع) در سرتاسر دوران پیامبر (ع) تا دوره عباسی پراکنده است اما از آنجاکه در اندیشه شیعیان، مقام امامت و ولایت ائمه ارتباطی با در رأس حاکمیت سیاسی قرار گرفتن آنان ندارد و امامت ایشان در دوران اموی و عباسی نیز وجود داشته است، بدین‌روی، تاریخ زندگانی آنان به‌طور مستقل، به‌عنوان دوره‌ای از تاریخ شیعه مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱. دوره پیامبر اکرم (ع)

دوره پیامبر (ع) نخستین دوره از ادوار تاریخ‌نگاری پس از اسلام به‌شمار می‌آید. سیره‌نگاری و همچنین تک‌نگاری‌های نگاشته در خصوص شخصیت‌های معاصر دوره نبی اکرم (ع) موضوع تألیفات تاریخی مؤلفان شیعه در خصوص این دوره زمانی است.

نوشته حسین بن محمد ازدی (م ۲۷۳ق)؛ همچنین کتاب *المبتدأ*، کتاب *المغازی* و کتاب *السیره*، نگاشته‌های ابراهیم ثقفی کوفی بخشی از این تلاش‌هاست.

ذکر این نکته نیز لازم است که احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) هرچند اثر مستقلی را در این باره به تألیف نرساند، اما در کتاب جامع خود، یعنی *المحاسن*، بخشی را با عنوان «کتاب المغازی» به بحث سیره اختصاص داده است (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۱۸۰؛ طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۶۵). البته در نسخه‌های امروزی از این کتاب، بخش مزبور وجود ندارد.

حوزه عراق در قرن چهارم با حضور عالمان کوفی همچون مندر بن محمد بن ابی‌جهم قابوسی (م ۳۰۳ق) و احمد بن محمد بن عمار (م ۳۴۶ق)، که آثاری مانند: *وفود العرب الی النبی* و *اخبار النبی* را نگاشتند و همچنین عبدالعزیز بن یحیی جلودی از بصره با تألیف کتاب‌های متعدد و حسین بن علی بزوفری (م ۳۵۵ق) با نگارش کتاب *سیره النبی و الأئمة فی المشرکین*، بسان سده گذشته، حضوری فعال از خود به نمایش گذارد. در حوزه ایران نیز علی بن ابراهیم و احمد بن محمد بن دول قمی و شیخ صلوق - به ترتیب - با تألیف آثاری همچون *المغازی*، *خصائص النبی*، *أوصاف النبی*، تلاش‌هایی در ابتداء، اواسط و انتهای این قرن از خود به نمایش گزارانند.

آنچه در تحلیل این دسته از کتب - به اختصار - باید گفت این است که سیر تألیف کتب سیره بعد از قرن دوم، که تنها در دو شهر مکه و کوفه آغاز گردید، در سده بعد، با استقبال مراکز حدیثی شیعه در عراق و ایران مواجه گشت و همین روند نیز با اندک تفاوت در قرن چهارم ادامه یافت. اما در خصوص نگارشی در این زمینه در سده پنجم از سوی نجاشی و شیخ طوسی گزارشی ذکر نشده است. در خصوص نقش حوزه‌های حدیثی نیز باید گفت که سیره‌نگاری در میان شیعیان مرهون تلاش‌های مستمر عالمان حوزه عراق و به‌ویژه مکتب کوفه بوده است.

۴-۱-۲. تک‌نگاری درباره معاصران پیامبر

نگارش کتاب درباره شخصیت‌های مطرح عصر پیامبر نشان از اهمیت نقش و جایگاه این افراد در آن دوره و در اندیشه عالمان شیعه دارد. بررسی کتاب‌های نوشته‌شده در این زمینه، نشانگر آن است که بیشتر افرادی که مؤلفان شیعه درباره آنها دست به نگارش زده‌اند از خویشاوندان آن حضرت محسوب می‌گردیدند. خدیجه

کتاب *المبتدأ و المغازی و الوفاة و الردة* اثر ابان بن عثمان احمر (م ۲۰۰ق) (زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۱، ص ۲۷)، که نجاشی از آن با تعبیر «حسن کبیر» یاد کرده، کتابی است که اهمیت و شهرتش را باید از سفر احمد بن محمد بن عیسی - از اعظم مکتب قم - به مکتب کوفه دریافت. نجاشی در ضمن ترجمه حسن بن علی بن وشاء، از حضور احمد بن محمد بن عیسی در کوفه و ملاقاتش با ابن وشاء برای اخذ کتاب *ابان بن عثمان* یاد می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۷۹).

با توجه به طرقی که نجاشی و شیخ طوسی برای این کتاب آورده‌اند، معلوم می‌شود، وی به نسخه *ابن وشاء* از کتاب *ابان* اکتفا ننموده و این اثر را از احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنتی دیگر عالم کوفی نیز دریافت کرده است؛ نسخه‌ای که هم نجاشی و هم شیخ طوسی برخلاف نسخه *ابن وشاء* بدان دست یافتند (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۷؛ طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۶۲). کتاب *ابان* در همین دوره، از مصادر *تاریخ یعقوبی* به شمار آمده و همچنین معلوم است که این کتاب تا اوایل قرن ششم، در دسترس بوده؛ زیرا طبرسی در *اعلام السوری* از آن استفاده کرده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲-۱۷۳).

در همین دوره، عالم سنی مذهب مدینه یا بغداد، ابوالختری (م ۲۰۰ق) (ابن سعد، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۲۷)؛ که شیخ طوسی در شرح حال *عبدالله بن یحیی* (طوسی، ۱۴۲۲ق، ش ۷۷۹) از او به «صاحب المغازی» یاد کرده، به نگارش کتاب *صفات النبی* اقدام نمود. در ادامه قرن سوم، *عمار بن زید خیوانی* (م ۲۲۰ق) (از روایات به دست می‌آید که وی امام هشتم و نهم را درک کرده است. طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۰۰) در مکتب مدینه (همان، ص ۱۷۱، ج ۲) کتاب *المغازی* خود را به رشته تحریر درآورد. در کنار فعالیت عالمان حوزه عراق - که در این قرن بغداد نیز بدان اضافه گردید - مانند *حسن بن علی بن فضال* (م ۲۲۴ق)، *ابوالحسن مدائنی* و *هارون بن مسلم بن سعدان*، *حسن بن خرزاد قمی* (م ۲۵۴ق) (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۶) با کتاب *أسماء رسول الله* حوزه ایران را به دیگر حوزه‌های فعال در این زمینه پیوند داد. بجز این اثر و کتاب *سلمه بن خطاب* (م ۲۷۰ق) در مکتب ری، شاهد فعالیت دیگری از عالمان حوزه ایران در این قرن نیستیم. برخلاف حوزه ایران، حوزه عراق، اعم از کوفه، بغداد و بصره، تا آخرین سال‌های قرن سوم به فعالیت چشمگیر خود در این قرن ادامه داد که تألیفاتی همچون *کتاب فی صفة النبی*، اثر *حسین بن فرج بغدادی*؛ *کتاب الوفود علی النبی*،

میان عامه و خاصه در خصوص ایمان آن بزرگوار، احتمال آنکه بخشی از این تألیفات جنبه کلامی داشته باشد دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

۴-۲. دوره خلفا

بخشی از تألیفات مؤلفان شیعه مربوط به دوران خلفاست. این آثار مجموعه‌ای از کتاب‌های سیره خلفا، شخصیت‌های معاصر با آنها و حوادث آن دوره را دربر می‌گیرد.

۴-۲-۱. تاریخ خلفا

در باب تاریخ خلفا، تعداد اندکی از مؤلفان شیعه دست به تألیف زده‌اند. در واقع، اقبال صورت گرفته درباره نگارش اثری در این زمینه، بیشتر از سوی مورخان شیعه، همچون *ابومخنف* (م ۱۵۷ق)، *ابراهیم‌بن محمد بن سعید تقفی* و *جلودی* صورت پذیرفته است. مقتل خلیفه سوم، نوشته *ابومخنف* نخستین اثری است که در این باره به رشته تحریر درآمد. پس از آن، در قرن دوم، شاهد بی‌رقبیتی عالمان شیعه در این عرصه هستیم، تا اینکه بار دیگر در انتهای قرن سوم، *ابراهیم‌بن محمد بن سعید تقفی* (م ۲۸۳ق) و *عیسی‌بن مهران مستعطف* در دو مکتب کوفه و بغداد (همان، ج ۴، ص ۴۰۶) به نگارش آثاری درباره خلیفه دوم و سوم مبادرت ورزیدند. روند این آثار در ابتدای قرن چهارم، با تألیف عالم حوزه سمرقند آغاز می‌گردد. مؤلف مشهور و مستبصر این سرزمین، یعنی *محمد بن مسعود عیاشی* علاوه بر آنکه حوزه ایران را به جمع مؤلفان این دست از کتب تاریخی اضافه کرد، نخستین کسی است که درباره سیره هر سه خلیفه نخست، دست به نگارش زد. البته لازم به توضیح است که شیخ طوسی این کتب را محصول قبل از مستبصر شدن عیاشی دانسته است. آخرین مؤلف در این زمینه، که به‌طور گسترده به تألیف اقدام نمود *عبدالعزیز بن یحیی جلودی بصری* است. وی علاوه بر تاریخ دو خلیفه اول، به جمع‌آوری خطبه‌ها و نامه‌های خلفا نیز پرداخته است.

نکته جالب توجه درباره این دسته از کتب، حضور کاملاً کم‌رنگ حوزه ایران و عدم حضور و بی‌رقبیتی مطلق مکتب قم است. از سوی دیگر، برای مؤلفان شیعه در این دسته از کتب، بحث از جریان کشته شدن عثمان، که در تاریخ اسلام تبعات بسیاری به دنبال داشت، بسیار مورد توجه بود، چنان که به غیر از عیاشی سایر مؤلفان به نگارش اثری در این باره اقدام کردند و اینکه عیاشی در این باره کتابی

کبری علیه السلام، *عبدالمطلب*، *عبدالله* پدر پیامبر صلی الله علیه و آله، *ابوطالب*، حمزه سیدالشهدا، *عباس بن عبدالمطلب*، *جعفر بن ابی طالب*، *ام هانی* (دختر ابوطالب) از جمله این افرادند. همچنین برای مورخ مطرحی همچون *عبدالعزیز بن یحیی جلودی* پرداختن به دو تن از حکما و شعرای عصر جاهلیت، *انتم بن صیفی* و *امیه ابی‌الصلت*، که دوره ظهور اسلام را نیز درک کرده‌اند (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۲) عاری از اهمیت نبوده است. نگارش‌های صورت گرفته در خصوص این افراد از نیمه دوم قرن سوم با تألیف درباره *ابوطالب*، عمومی پیامبر، توسط فردی از طبقه *دعبل خزاعی* (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۰۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۲۵۰) به نام *عبدالله بن احمد بن حرب عبیدی* (*بوهفان*) در مکتب بغداد (همان) آغاز گردید.

اما بیشتر تألیفات در این زمینه در قرن چهارم به رشته تحریر درآمد. در سده چهارم، در آغازین سال‌های آن، در مکتب قم، *سعد بن عبدالله اشعری* (م ۲۹۹/۳۰۱ق) کتاب *فضل ابی طالب و عبدالمطلب و ابی‌النبی* صلی الله علیه و آله را نگاشت. پس از او، در آمل *حسن بن علی اطروش کتاب فصاحت ابی طالب* را نگاشت. در حوزه عراق، در این قرن، بصره پیشگام بود و *جلودی کتاب اخبار جعفر بن ابی طالب، اخبار العباس، اخبار حمزه بن عبدالمطلب و ذکر خدیجه و فضل اهل بیت* علیهم السلام را به نگارش درآورد. سپس عالمی کوفی *احمد بن محمد کوفی* (م ۳۴۶ق) کتاب *ایمان ابی طالب* را نوشت. در انتهای این سده هم در مکتب بغداد، *سهل بن احمد دیباجی* (م ۳۸۰ق) کتابی به همین عنوان به همراه اثری با نام *خدیجه و عقبها و أزواجها* را به منصفه ظهور رساند. پایان تألیفات در این عرصه، در دو مکتب ری و بصره رقم خورد. در ری شیخ *صدوق کتاب فی عبدالمطلب و عبدالله و ابی طالب* را نگاشت، و در بصره *علی بن بلال مهلبی* (م ۳۹۳ق) کتاب *البیان عن خیرة الرحمن فی ایمان ابی طالب و آياته النبوی* صلی الله علیه و آله را کتابت کرد.

درباره مشارکت حوزه‌های حدیثی در نگارش این دسته از آثار، باید گفت: در حوزه عراق، همه مکتب‌های حدیثی، اعم از کوفه، بغداد و بصره حضوری فعال دارند. هرچند در این میان، نقش عالمان بصره، به‌ویژه مورخ شهیر این سرزمین، یعنی *عبدالعزیز بن یحیی جلودی* برجسته است. در حوزه ایران، عمده فعالیت‌ها در مکتب قم صورت پذیرفته است.

ذکر این نکته نیز لازم است که در میان تک‌نگاری‌ها نگاشته شده، سهم *ابوطالب* عمومی پیامبر بیش از دیگران است. گرچه به واسطه اختلاف

ورزیدند. از میان تألیفات صورت گرفته، تنها بخش‌هایی از کتاب جوهری در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید باقی مانده است. محقق معاصر آقای محمدهادی امینی این بخش‌ها را گردآوری کرده و در کتابی با عنوان السقیفه و فدک به طبع رسانده است.

مسئله ارتداد بعضی قبایل عرب پس از ماجرای سقیفه، که نشئت‌گرفته از انگیزه‌های عقیدتی و نیز سیاسی بود و زمینه درگیری‌های خون‌باری را در دوران خلیفه اول فراهم آورد، موضوع بخش دیگری از تألیفات تاریخی عالمان شیعه با عنوان «کتاب الردة» گشت. پرداختن به این مسئله بسان برخی از موضوعات، که جنبه تخصصی می‌یابد، تنها مطرح‌نظر چهار تن از تاریخ‌نگاران مطرح شیعه در قرن دوم و سوم بود؛ افرادی همچون: ابومخنف، ابان بن عثمان، هشام کلبی و ابراهیم تقفی.

کتاب‌های فتوح‌نگاری انعکاس‌دهنده بخش دیگری از حوادث دوران خلافت است. مطالب این دسته از کتب، که ابومخنف و هشام کلبی به‌عنوان نخستین تاریخ‌نگاران شیعه به آن پرداخته‌اند عبارت است از: «بیان نحوه گشایش سرزمین‌ها و کشورهای... که پس از پیامبر ﷺ به کوشش مجاهدان مسلمان، در عصر خلفای راشدین به صلح یا به جنگ به تصرف اسلام درآمده است» (آئینه وند، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶). محققان بر این باورند که مؤلفان کتب فتوح در نگارش این دسته از آثار خود، از روایات ایام العرب تأثیر پذیرفته‌اند و استفاده از شعر، تکیه بر قصص و داستان، بهره‌گیری از عنصر قهرمان‌پروری و توصیف تفصیلی و جزئی میادین جنگ را از جمله شواهد مدعای خود می‌دانند (فائدان، ۱۳۹۰، ص ۷۷، ۸۴، ۸۷، ۹۰). در میان شیعیان، ابومخنف کتاب فتوح الإسلام، فتوح العراق و فتوح خراسان را نگاشت؛ و هشام کلبی کتاب فتوح العراق، فتوح الشام، فتوح خراسان و فتوح فارس را تألیف کرد.

یکی دیگر از حوادث مهم دوران خلافت که برای عالمان شیعه از اهمیت زیادی برخوردار بوده، مسئله شورش نفره‌ای است که خلیفه دوم تعیین کرد. اهمیت این حادثه برای شیعیان بسان واقعه سقیفه، از آن روست که در این ماجرا نیز مسئله جانشینی پیامبر ﷺ مطرح است. عالمان شیعه از قرن دوم تا انتهای قرن چهارم، تألیفاتی را تحت عنوان «کتاب الشوری» قلم زده‌اند. کتاب عمروبن ابی‌المقدام از اصحاب امام سجاد و امام باقر و امام صادق ﷺ در مکتب کوفه (طوسی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۴۸ و ۲۶۵). نخستین اثر در این

ندارد و حساسیتی نسبت بدان نداشته احتمالاً به خاطر آن است که وی سایر کتبی را که درباره خلفا نوشته، متعلق به دوره‌ای است که وی معتقد به مذهب عامه بوده و در دیدگاه آنان، شاید سیره خلفا از اولویت بیشتری برخوردار است تا مقتل آنان. اما برای شیعیان که کشته شدن خلیفه سوم را دارای ارتباط تنگاتنگی با دوران امامت امیرمؤمنان ﷺ می‌دانند، این مسئله از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

۲-۲-۴. معاصران دوره خلفا

کتاب‌های گزارش شده از سوی نجاشی و شیخ طوسی حکایت از قلت تألیفات در این باب دارد. در میان چهار مؤلفی که در این زمینه دست به نگارش زده‌اند، سه مؤلف، یعنی علی بن مهزیار/هوازی، ابراهیم بن اسحاق نهانوندی (زنده در ۳۹۵ق) و ظفر بن حمدون بادرائی (زنده در ۳۴۷ق)، درباره صحابه جلیل‌القدر پیامبر، ابودر غفاری، اثری مستقل به رشته تحریر درآوردند. همچنین اقدام به نگاشتن اثری مستقل درباره شاعری به نام عمروبن معدی کرب (۲۱مق) برای تاریخ‌نگاری همچون جلودی که همت خود را صرف ثبت تاریخ کرده است، امری بدیهی به نظر می‌رسد.

۳-۲-۴. حوادث دوران خلفا

جریان سقیفه، (این واقعه چون زمینه‌ساز دوران خلافت شد، در این بازه زمانی قرار گرفته است). جنگ‌های رده، بحث از فتوحات و همچنین مسئله شورا از دیگر موضوعاتی است که توجه عالمان شیعه را برانگیخته و درباره آن آثاری را به نگارش درآورده‌اند.

جریان سقیفه، که مهم‌ترین اتفاق بعد از رحلت پیامبر ﷺ محسوب می‌شود، از آنجاکه به مهم‌ترین رکن شریعت، یعنی «امامت» جامعه بعد از رسول اکرم ﷺ مربوط است، برای شیعیان اهمیت خاصی دارد. بدین روی، از ابتدای عصر تدوین علوم اسلامی، مؤلفان شیعه به تألیف آثاری در این باره همت گمارده‌اند و به این امر در طول اعصار متمادی ادامه داده‌اند.

در قرن دوم، در کوفه ابومخنف و ابان بن عثمان (م ۱۸۳ق)؛ در قرن سوم، در بغداد ابوعیسی وراق (م ۳۴۷ق)، و در کوفه ابراهیم بن محمد تقفی؛ و در قرن چهارم، در بصره (جوهری، بی تا، ص ۳۳) احمد بن عبدالعزیز جوهری (م ۳۳۳ق) (همان)؛ و در بغداد احمد بن ابراهیم ابی‌رافع (م ۳۵۵ق) به خلق آثاری در این زمینه مبادرت

(م ۳۸۱ق)؛ *کتاب بیعة علی*، نگاشته *ابراهیم تقفی*؛ *کتاب خلافت* و *کتاب عماله و ولاته*، نوشته *جلودی*، مورخ قرن چهارم؛ و *کتاب موضع قبر امیرالمؤمنین*، از *محمد بن بکران رازی*.

اما آنچه در بررسی این تألیفات جلب نظر می‌کند تعداد قابل توجه آثار عالمان شیعه در خصوص جنگ‌های آن حضرت است. جنگ جمل، صفین و نهروان و نیز بحث از حکمیت، که در دل جریان صفین نهفته، برای مؤلفان شیعه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است؛ به‌گونه‌ای که موضوع نخستین تألیفات تاریخی نوشته شده پس از *کتاب سلیم بن قیس هلالی*، دربارهٔ این سه جنگ است، و *جابر بن یزید جعفی* (م ۱۲۸ق) در *مکتب کوفه* (ابن‌غضائری، ۱۳۶۴، ص ۵۰) با نگارش سه اثر *کتاب الجمل*، *کتاب صفین* و *کتاب النهروان* شاهدهی است بر صدق این مدعا. *کتاب صفین*، *ابان بن تطلب* (م ۱۴۱ق)، *کتاب الجمل*، *مصیح بن هلقام عجلی* (م ۱۴۸ق)، *کتاب الجمل*، *کتاب صفین* و *کتاب النهروان*، *ابومخنف* (م ۱۵۷ق) و تألیفات سه‌گانه *هشام کلبی* (م ۲۰۶ق) به همین نام، نشانگر حضور فعال و پر نشاط عالمان مکتب کوفه است (در خصوص کوفی بودن *مصیح بن هلقام*، ر.ک: برقی، ۱۳۴۲، ص ۳۸)؛ چنان‌که می‌توان گفت: قرن دوم، قرن مکتب کوفه در تألیف این دسته از آثار است. نگاه به مؤلفان سده سوم هجری حکایتگر حضور سایر مراکز حوزهٔ عراق در کنار کوفه در تألیف این دسته از آثار است. آثار *نصر بن مزاحم* (م ۲۱۲ق) (تستری، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۶۲) همچون *کتاب صفین*، که تا به امروز باقی مانده، و *کتاب مسند امیرالمؤمنین* و *أخباره فی الجمل و صفین و النهروان و فضائله و تسمیه من روی عنه من أصحابه*، عامی مذهبی چون *یعقوب بن شیبیه* (م ۲۶۲ق) (بغدادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۷) در کنار *کتاب الحروب لأمیرالمؤمنین* هم‌کیش خود *ابوالحسن مدائنی* (م ۲۲۴ق) (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵۴) در بغداد (همان) و کتب متعدد اخباری برجستهٔ مکتب بصره (نجاشی، ۱۴۰۸ق، ش ۹۳۷) یعنی *محمد بن زکریا بن دینار* (م ۲۹۸ق) به همراه آثار متعدد *ابراهیم تقفی* در کوفه روشنگر مطلب فوق است.

قرن چهارم و ابتدای پنجم نیز بسان سده‌های گذشته، نشان‌دهندهٔ حضور کمرنگ حوزه‌های ایران - بجز تألیف *شیخ صدوق* - در این بخش از نگارش‌های تاریخی است. در مقابل، این دو قرن همانند دو سدهٔ قبل، همچنان از حضور فعال عالمان حوزه‌های عراق، اعم از کوفه، بغداد و بصره خبر می‌دهد. از میان

زمینه است. به فاصلهٔ اندکی پس از وی، *ابومخنف* به نگارش در این باره پرداخت و تا انتهای قرن سوم، که *ابراهیم تقفی* دست به قلم فرسایی در این باب زد، شاهد فعالیت عالمی در این عرصه نیستیم. در قرن چهارم، عالمان برجسته‌ای چون *جلودی*، *ابن عقده* (م ۳۳۳ق) و *شیخ صدوق* به جمع مؤلفان در این حوزه پیوستند.

در تحلیل این دسته از کتب، باید گفت: آنچه بیش از هر چیز دیگری جلب توجه می‌کند حضور فراگیر حوزهٔ عراق و به‌ویژه مکتب کوفه در شکل‌گیری و تداوم این دسته از آثار است؛ چنان‌که از یازده مؤلفی که در این عرصه قلم زده‌اند، شش تن از مکتب کوفه بوده‌اند از سوی دیگر، در خلق همهٔ انواع این دسته از آثار، بدون استثنا، کوفه مرکز اصلی بوده است. اما سایر مراکز حوزهٔ عراق وضع مشابهی ندارند؛ به‌گونه‌ای که در هریک از دو مکتب بغداد و بصره تنها دو مؤلف دست به نگارش زده‌اند. در مقابل، حوزهٔ ایران از کمترین نقش - تنها مکتب ری - در نگارش این دسته از کتب تاریخی برخوردار است که نشان‌دهندهٔ بی‌رغبتی عالمان این حوزه نسبت به این امر بوده است.

۳-۴. تاریخ ائمه اطهار

بررسی دو فهرست *نجاشی* و *شیخ طوسی* نشانگر علاقه و اهمیت عالمان شیعه به دوران زندگانی ائمهٔ اطهار است. این توجه از سوی آنان در قالب اثر (تاریخ) مستقل دربارهٔ هریک از ایشان یا تألیف اثری جامع دربارهٔ همهٔ آن بزرگواران، خود را بروز داده است.

۳-۴-۱. اثر (تاریخ) مستقل

بررسی دو فهرست *نجاشی* و *شیخ طوسی* حکایت از آن دارد که تقریباً برای بیشتر ائمهٔ معصوم اثر مستقلی با عناوین گوناگون به رشتهٔ تحریر درآمده است، هرچند از لحاظ کمیت تفاوت‌هایی گاه فاحش به چشم می‌خورد. برای مثال، سرتاسر زندگانی *امیرمؤمنان* از سوی مؤلفان شیعه قابل توجه بوده است؛ چنان‌که آثار مستقل فراوانی از تولد تا وفات آن حضرت وجود دارد. در مقابل، دربارهٔ زندگانی *امام کاظم* جز یک اثر شاهد تألیف دیگری نیستیم.

آثار مستقل عالمان شیعه در خصوص *امام علی* ابعاد گوناگون زندگی ایشان را دربر می‌گیرد؛ نگاشته‌هایی که از دوران ولادت آن حضرت تا تعیین موضع قبر آن بزرگوار را شامل می‌شود. بخشی از آنها عبارتند از: *کتاب مولد امیرالمؤمنین*، اثر *شیخ صدوق*

اخبار فاطمه و الحسن و الحسين اثر ابن ابی‌ثلج (م ۳۲۵ق)؛ *اخبار فاطمه* نوشته‌ی احمد بن محمد صولی (زنده در ۳۵۳ق) که شیخ طوسی از آن با تعبیر «کتاب کبیر» یاد کرده؛ و همچنین *کتاب اخبار فاطمه* نگاشته‌ی عبدالله بن احمد انباری (م ۳۵۶ق)؛ و در انتهای این سده هم شیخ صدوق در مکتب ری *کتاب مولد فاطمه* را تحریر نمود. دوران امامت امام حسن مجتبی و صلح آن بزرگوار با معاویه موضوعی است که مؤلفان شیعه بدان توجه کرده‌اند و در این باره تک‌نگاری‌هایی با عنوان *کتاب صلح الحسن*، *کتاب قتل الحسن* و *کتاب قیام الحسن* به رشته تحریر درآورده‌اند. علاوه بر سه کتاب مزبور، از عبدالله بن کثیر هاشمی، ابومخنف و هشام کلبی کتاب‌های دیگری نیز در خصوص تاریخ زندگانی، فضایل و نیز شهادت آن حضرت از سوی عالمان اغلب شیعه نگاشته شده که می‌توان به *کتاب الرسالة فی الحسن و الحسين*، اثر یعقوب بن شیبه، از عالمان مکتب بغداد؛ *کتاب قیام الحسن* نوشته‌ی ابراهیم ثقفی کوفی؛ *اخبار فاطمه و الحسن و الحسين*، تألیف ابن ابی‌ثلج از عالمان سده چهارم بغداد؛ *کتاب صلح الحسن*، نگاشته‌ی ابن عقده (م ۳۳۳ق) کوفی؛ *کتاب ذکر الحسن و الحسين* و *کتاب فی أمر الحسن*، اثر مورخ بصری این سده، یعنی عبدالعزیز بن یحیی جلودی؛ و در نهایت، *کتاب فضل الحسن و الحسين*، از شیخ صدوق اشاره کرد.

اما درباره‌ی سیدالشهداء می‌توان گفت: مقتل نویسی عمده‌ی تألیفات درباره‌ی آن حضرت را دربر می‌گیرد، به گونه‌ای که از قرن اول هجری، که نخستین مقتل توسط اصغیر بن نباته از اصحاب امیرمؤمنان به منصفه ظهور رسید، تا پایان قرن چهارم، که آخرین اثر گزارش شده از سوی شیخ طوسی یعنی *کتاب مقتل الحسین بن علی* شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در ری به نگارش درآمده است، هیچ سده‌ای نبوده که در حوزه‌ای از حوزه‌های حدیثی شیعه از بصره، بغداد، ری، قم و به‌ویژه کوفه که اغلب آثار توسط عالمان آن دیار سامان یافته است، اثری در قالب مقتل درباره‌ی امام حسین نگاشته نشده باشد. از میان مقتل نویسان سیدالشهداء می‌توان از بزرگانی همچون جابر بن یزید جعفی، ابومخنف، هشام کلبی، نصر بن مزاحم، ابراهیم ثقفی، سلمه بن خطاب، محمد بن احمد بن یحیی اشعری، محمد بن زکریا بن دینار و عبدالعزیز بن یحیی جلودی نام برد.

درباره‌ی سایر ائمه اطهار (غیر از امام هادی و امام حسن عسکری) که هیچ تک‌نگاری وجود ندارد، آثاری بس اندک در باب

تألیفات شکل گرفته در قرن چهارم و پنجم همچون *کتاب الموضح فی حروب امیرالمؤمنین* اثر حسن بن موسی نویختی (م بعد ۳۰۰ق) (کحاله، بی تا، ج ۳، ص ۲۹۸)؛ سه‌گانه‌های جمل و صفین و نهروان، اثر مندرین محمد بن ابی‌جهم قابوسی (م ۳۰۳ق)؛ و آثار متعدد جلودی؛ و نیز *کتاب الجمل*، نگاشته‌ی شیخ صدوق؛ و یگانه اثر قرن پنجم یعنی *کتاب الجمل* از شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، تنها کتاب شیخ مفید تا به امروز باقی مانده است، هر چند محققان این اثر را یک تألیف تاریخی صرف نمی‌دانند، بلکه آن را در زمره کتب تاریخی - کلامی قلمداد کرده‌اند که نویسنده آن، از مرکب تاریخ در جهت اثبات عقاید شیعیان در مقابل مخالفانشان (عثمانیه و معتزله) بهره گرفته است (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۳۷۳).

بخش دیگری از درگیری‌های صورت گرفته در زمان امیرمؤمنان مربوط به دست‌اندازی‌های معاویه در بخش‌های تحت حاکمیت امیرمؤمنان است که در تألیفات دانشمندان شیعه با عنوان *الغارات* مطرح گشته است. این نوع از آثار بسان تألیفات فوق، البته در سرتاسر چهار قرن ابتدایی مطمح نظر عالمان شیعه قرار داشته است. از میان آثار بزرگانی همچون ابومخنف، هشام کلبی، نصر بن مزاحم، احمد بن محمد بن سیار، ابراهیم ثقفی، جلودی و مندرین محمد قابوسی، تنها *کتاب الغارات ابراهیم ثقفی* (م ۲۸۳ق) تا امروز در دسترس قرار دارد.

درباره‌ی فاطمه زهرا نخستین تألیف درباره‌ی خطبه آن حضرت است که ابومخنف در قرن دوم به ثبت آن اقدام نمود. آخرین اثر گزارش شده در پنج قرن اول درباره‌ی ایشان نیز شرح خطبه آن بزرگوار است که توسط ابن عبدون (م ۴۲۳ق) تحت عنوان *کتاب تفسیر خطبه فاطمه* به نگارش درآمد.

موضوع «فدک» در روند تألیفات درباره‌ی آن حضرت، دومین دسته از نگارش‌ها را سبب گردید. آثار متعددی که از قرن دوم با *کتاب فدک* عبدالرحمان بن کثیر هاشمی آغاز گردید و در قرن سوم، بسان سده قبل، تنها از سوی یک تن (ابراهیم ثقفی) پی‌گیری شد. البته اهمیت موضوع در قرن چهارم برای عالمان شیعه بیشتر بود، چنان که در اواسط این سده، عبدالله بن احمد انباری (م ۳۵۶ق)، ابوالفرج اصفهانی و مظفر بن محمد بلخی خراسانی (م ۳۶۷ق) آثاری را رقم زدند. در انتهای سده سوم، دسته دیگری از آثار نگارش یافت. محمد بن زکریا بن دینار کتابی را در خصوص تاریخ زندگی آن حضرت با عنوان *اخبار فاطمه و منشوها و مولدها* تألیف کرد. رونق این دست از کتب در قرن چهارم بیشتر قابل مشاهده است؛ مانند *کتاب*

عالم‌ان ابتدای قرن چهارم، یعنی محمد بن عبدالله بن مملک *الأصبهانی* (م ۳۰۳ق) است. پس از این اثر، که تنها نشانگر فعالیت عالم‌ان حوزه ایران است، بیشتر کتاب‌های نوشته در سرتاسر این قرن - بجز یک اثر - متعلق است به مکتب بغداد که این امر با رونق این حوزه در قرن چهارم و پنجم بی‌ارتباط نیست.

کتاب‌های *الانوار فی تواریخ الأئمه*، اسماعیل بن علی نوبختی (م ۳۱۱ق)؛ *تاریخ الأئمه*، اسماعیل بن علی خزاعی؛ *اخبار الأئمه و مولایدهم*، جعفر بن محمد بن مالک ساپور کوفی؛ *تاریخ الأئمه*، ابن ابی تلح بغدادی؛ *الانوار فی تاریخ الأئمه*؛ محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ق)؛ *اخبار آل ابی طالب*، محمد بن عمر بن سیار تمیمی (م ۳۵۵ق)؛ *الصفاء فی تاریخ الأئمه*، احمد بن ابراهیم بن ابی رافع (م ۳۵۵ق)؛ *سیره النبوی و الأئمه فی المشرکین*، حسین بن علی بزوفری (م ۳۵۵ق)؛ *تاریخ الأئمه*، حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۵۸ق)؛ و *تاریخ الأئمه*، صالح بن محمد صرامی از جمله تألیفات است که در این زمینه نگاشته شده است. شاید مهم‌ترین تألیفی که در این حوزه به منصفه ظهور رسیده و تا به امروز باقی مانده، کتاب *الارشاد* شیخ مفید (م ۴۱۳ق) باشد.

۳-۳-۴. مقتل نگاری

کتاب‌های مقتل جزو نخستین گونه‌های تألیفات تاریخی عالم‌ان شیعه به شمار می‌آید؛ چنان که پس از *کتاب سلیم بن قیس*، کتاب *مقتل الحسین بن علی*، اصعب بن نباته، کهن‌ترین اثر تاریخی شیعیان به حساب می‌آید. بررسی‌ها نشان می‌دهد از ابتدای مقتل نگاری در قرن نخست تا انتهای قرن چهارم، این گونه تألیفات تاریخی از اهمیت خاصی نزد عالم‌ان شیعه برخوردار بوده و آثار متعدد که ماحصل تلاش‌های ۲۴ تن از عالم‌ان است، تصدیق‌کننده این مدعا است.

نگاه به تألیفات نگاشته شده بیانگر آن است که بیشتر همت عالم‌ان، در نگارش مقاتل ائمه علیهم‌السلام مصروف گشته و در این بین، بیشترین توجه به مقتل نگاری امیرمؤمنان و سیدالشهداء علیهم‌السلام معطوف بوده است. مقاتل اصحاب امامان علیهم‌السلام به ویژه یاران حضرت امیر علیهم‌السلام بخش دیگر آثار مقتل نگاران شیعه را به خود اختصاص می‌دهد؛ مانند *مقتل محمد بن ابی بکر*، *مقتل حجر بن عدی* و *مقتل میثم تمار*. همچنین نگارش مقتل خلیفه سوم به سبب تأثیر آن در دوران حکومت امام علی علیهم‌السلام از نظرگاه عالم‌ان شیعه دور نماند. آنچه از نقش حوزه‌های حدیثی در این عرصه می‌توان نگاشت، بیشتر متوجه به

تاریخ زندگی آنان به نگارش درآمده که بیشتر این تألیفات، حاصل تلاش دو تن از مؤلفان شیعه، یعنی عبدالعزیز بن یحیی جلودی و محمد بن وهبان بن محمد، معروف به «دبیلی» در قرن چهارم هجری است. مانند: *اخبار علی بن الحسین* علیهم‌السلام، *اخبار ابی جعفر محمد بن علی* علیهم‌السلام و *اخبار موسی بن جعفر* علیهم‌السلام از جلودی و کتاب *اخبار الصادق* علیهم‌السلام مع المنصور، *اخبار الرضا* علیهم‌السلام و *اخبار ابی جعفر الثانی* علیهم‌السلام از محمد بن وهبان بن محمد.

تألیفات تاریخی نگاشته شده از سوی عالم‌ان شیعه درباره حضرت حجت علیهم‌السلام علاوه بر آنکه تاریخ زندگانی و سیره آن حضرت را شامل می‌شود که عمده نگارش‌ها را دربر دارد، جنبه‌های آخرالزمانی، مثل زمان خروج امام عصر علیهم‌السلام و دلایل خروج ایشان نیز موضوع تألیف برخی از آثار عالم‌ان شیعه در پنج قرن نخست بوده است؛ مثل کتاب *وقت خروج القائم* علیهم‌السلام، اثر محمد بن جمهور عمی؛ و کتاب *دلایل خروج القائم و ملاحم*، نگاشته حسن بن محمد بصری. در خصوص تاریخ زندگانی و سیره آن حضرت نیز می‌توان به کتاب‌هایی مانند *کتاب صاحب الزمان*، *کتاب سیره القائم*، *کتاب القائم*، *کتاب اخبار القائم*، *کتاب اخبار المهدی* و *کتاب المهدی*، که - به ترتیب - توسط محمد بن جمهور عمی، معلی بن محمد بصری، علی بن مهزیار اهوازی، فضل بن شاذان نیشابوری، علی بن محمد رازی کلینی، عباد بن یعقوب رواجی، عیسی بن مهران مستعطف، و جلودی نگاشته شده، اشاره کرد.

نکته جالب توجه در این دسته از کتب، نقش پررنگ مکتب بصره در تألیف این آثار است؛ زیرا از ۹ اثر گزارش شده در این باب، چهار تألیف توسط عالم‌ان بصره نوشته شده است.

۳-۳-۴. تواریخ دوازده امام علیهم‌السلام

همت و تلاش عالم‌ان حوزه‌های عراق، به‌ویژه مکتب کوفه در تألیفات مربوط به ائمه اطهار علیهم‌السلام مشهود است. نگاه به تواریخ نوشته شده در باب امامان معصوم علیهم‌السلام بار دیگر گویای صدق گفتار پیشین است. اما این بار نه مکتب کوفه، بلکه عالم‌ان مکتب بغداد در دو قرن چهارم و ابتدای پنج، نقش بی‌بدیلی از خود در خلق این دسته از کتب تاریخی به نمایش گزارده‌اند. محققان اواسط قرن سوم و کتاب *تاریخ آل الرسول* یا *تواریخ الأئمه*، اثر نصر بن علی جهضمی (م ۲۵۰ق) را نقطه آغاز تاریخ نگاری درباره ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌دانند (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۲۱-۲۲). اما نخستین کتاب تاریخی ثبت شده در این باره، در دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی از مؤلف کتاب *مواوید الأئمه* علیهم‌السلام، از

(بیشتر در قالب مقتل) گواه این امر است. همچنین ذکر تاریخ برخی از خلفای اموی همچون معاویه و یزید و نیز بعضی از والیان این دوران همچون زیاد بن ابیه، حجاج بن یوسف و مطرف بن معیره از نگاه تاریخ‌نگاران برجسته‌ای همچون ابومخنف، ابراهیم ثقفی و عبدالعزیز بن یحیی جلودی دور نمانده است. نکته جالب توجه درباره تاریخ‌نگاری‌های عصر اموی آن است که مطلق نگارش‌های انجام شده از شروع این بخش از کتب تاریخی (اواسط قرن دوم) تا انتهای قرن سوم، ثمره تلاش‌های عالمان مکتب کوفه بوده و در سیر نگارش این آثار در قرن چهارم، مکتب بصره و دو مکتب سمرقند و قم نیز به حوزه تألیفی این دسته از کتب افزوده شده و در انتهای سده چهارم و اوایل قرن پنجم نیز تنها اثر مکتب بغداد یعنی *کتاب اخبار جابر الجعفی* توسط *ابن عیاش جوهری* (م ۴۰۱ق) رقم خورده است.

۴-۵. دوران بنی عباس

برای مؤلفان و مورخان شیعه همچون *نصر بن مزاحم*، *ابراهیم ثقفی*، *ابن عقده*، *جلودی* و دیگرانی همچون آنان، از میان تحولات عصر عباسی، ثبت حوادث مربوط به قیام‌های متعدد شیعیان در بنی عباس از اهمیت برخوردار بوده است. چنان‌که آثار متعدد نگارش یافته همچون *خروج محمد بن عبدالله و مقتله*، *اخبار محمد بن ابراهیم و ابی السرایا*، *اخبار محمد و ابراهیم*، *اخبار صاحب الزنج*، *اخبار صاحب فح و اخبار یحیی بن عبدالله بن حسن* مؤید این مدعاست.

علاوه بر آن، ذکر تاریخ ادبا و شعرای این دوره در قالب تک‌نگاری، از دیگر فعالیت‌های مؤلفان شیعه به‌ویژه مورخ مکتب بصره یعنی *جلودی* در عرصه تاریخ‌نگاری است. شعرایی همچون *سید حمیری*، *سفیان بن مصعب عبدی*، *ابونواس*، *روبه بن عجاج* و *سدیف بن میمون مکی* از جمله این افرادند. در بین آنها، *سید حمیری* مورد توجه خاص مؤلفان شیعه قرار داشته و این مطلب از تألیفات متعدد نوشته شده درباره وی توسط مؤلفانی همچون *اسحاق بن محمد بصری*، *عبدالعزیز بن یحیی جلودی بصری*، *صالح بن محمد صرّی*، *ابن عیاش جوهری* و *ابن عبدون* قابل استنباط است.

در تحلیل حوزه‌های فعال در تألیف این دوره از کتب تاریخی، باید گفت: کوفه در سرتاسر چهار قرن اول، حضوری پررنگ و فعال دارد و مکتب بصره نیز از نیمه قرن سوم، فعالیت خویش را در نگارش این آثار آغاز کرد؛ همچنان‌که این امر برای مکتب بغداد با

حوزه‌های عراق است. قرن اول، دوم و ابتدای سوم دوران بکه‌تازی مکتب کوفه بود. مقاتل نوشته شده از *سوی اصبع بن نباته*، *جابر بن یزید جعفی* (م ۱۲۸ق)، *ابومخنف ازدی* (م ۱۵۷ق)، *عبدالله بن ابراهیم بن ابی طالب* و *هشام کلبی* نمایانگر فعالیت عالمان این دیار است.

از قرن دوم به بعد، حوزه نگارش این دست از آثار در مکتب بغداد از اوایل این قرن، و مکتب بصره و حوزه ایران از نیمه دوم این سده گسترش یافت. از نکات جالب توجه در این قرن، نگارش کتاب *مقتل الحسین بن علی*، از *سوی ابوالحسن مدائنی* (م ۲۲۵ق) و دو کتاب *مقتل امیر المؤمنین و مقتل الحسین*، از *سوی عبدالله بن محمد بن ابی‌الدنیا* (م ۲۸۱ق) در مکتب بغداد است که از فعالیت عالمان عامی مذهب در این قرن پرده برمی‌دارد. حوزه ایران در قم و ری و حوزه عراق در بغداد، بصره و کوفه در قرن چهارم همچنان شاهد فعالیت با نشاط عالمانشان در این عرصه هستند؛ چنان‌که کتاب *مقتل الحسین*، اثر *محمد بن یحیی العطار* و اثر *شیخ صدوق* در همین زمینه در قم و ری و تألیفات متعدد *جلودی* در بصره و *مقتل الحسین*، نوشته *محمد بن علی بن فضل بن سکین* (زنده در ۳۴۰ق) در کوفه نشان از این نشاط و شور دارد. شاید در میان آثار این قرن، کتاب *مقاتل الطالبیین*، اثر *ابوالفرج اصفهانی* (اصبهانی الاصل بغدادی المنشأ - حرعاملی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۱) بیش از دیگر نگارش‌ها مورد توجه عالمان سده‌های بعد قرار گرفته است و از این رو، توانسته خود را از پس حوادث و قرون متمادی به دوران کنونی برساند.

۴-۴. دوران بنی امیه

بررسی آثار مؤلفان نشانگر آن است که آنچه برای شیعیان در دوره بنی‌امیه از اهمیت بیشتری برخوردار بوده قیام‌های صورت گرفته در این عصر است. اهمیت نبرد *عین‌الورده*، که به «قیام توابین» شهرت یافت، و نیز قیام *مختار ثقفی* به خون‌خواهی حسین بن علی و قیام *یزید بن علی بن الحسین* در ابتدای قرن دوم، برای عالمان شیعه، در کتاب *عین‌الورده*، اثر *نصر بن مزاحم*؛ کتاب *التوابین*، نگاشته *ابراهیم ثقفی*، کتاب *اخبار المختار*، تألیف *ابومخنف ازدی*؛ و کتاب *اخبار یزید بن علی*، نوشته *جلودی* نمایان است. دغدغه دیگر مؤلفان شیعه از تاریخ دوران اموی مربوط به زندگانی برخی از اصحاب ائمه اطهار است که تک‌نگاری‌های نوشته شده درباره افرادی مانند *جابر جعفی*، *صعصعه بن صوحان*، *حجر بن عدی*، *رشید هجری* و *میثم تمار*

موضوع است. در مقابل، اتفاقات عهد خلافت عباسی بیشتر مدنظر عالمان مکتب بغداد بوده و این توجه شاید با مرکز خلافت بودن بغداد در عهد عباسی بی‌ارتباط نباشد.

در مکتب بصره نیز تألیفات فراوانی درباره تاریخ ائمه^ع نشان‌دهنده اهمیت این موضوع برای عالمان این دیار است. در خصوص سایر موضوعات هم تقریباً روند یکسانی در این مکتب پی گرفته شده است. در آخر، آنچه درباره نقش حوزه‌های حدیثی جلب نظر می‌کند حضور بسیار کم‌فروغ عالمان مراکز علمی حوزه ایران و به‌ویژه مکتب قم در نگارش تألیفات تاریخی است؛ به‌گونه‌ای که حتی در باره تاریخ زندگانی ائمه اطهار^ع و سیره‌نویسی هم تنها شاهد تک مؤلفانی از قم و سایر مراکز هستیم. از سوی دیگر، آنچه در خصوص حوزه ایران مهم جلوه می‌کند و به نوعی وجوه تمایز این حوزه با حوزه عراق به حساب می‌آید، مشارکت مراکز علمی آن است. به عبارت دیگر، تنوع مراکز علمی ایران در این دست از آثار به مراتب بیش از حوزه عراق است و صدق این مدعا از حضور مراکز مهمی چون قم، ری، اهواز، آمل، سمرقند، نیشابور، خراسان (بلخ)، اصفهان و نهبوند قابل ملاحظه است.

در خصوص نقش مراکز علمی حوزه ایران، باید گفت: توجه عالمان این حوزه در نگارش موضوعات تاریخی متفاوت بوده است؛ مثلاً، در نگاشتن آثار تاریخی درباره زندگانی ائمه^ع شاهد حضور - تک مؤلفان - و مشارکت بیشتر مراکز علمی حوزه ایران هستیم، به‌گونه‌ای که در قرن سوم و چهارم هجری، عالمان هشت حوزه علمی در ایران به نگارش در این زمینه دست زدند؛ امری که در موضوعاتی مثل تاریخ خلفا و حوادث آن دوران و همچنین تاریخ عهد بنی‌امیه و بنی‌عباس کمترین توجه - تنها در قرن چهارم توسط تک‌مؤلفان سه مرکز قم، ری و سمرقند - را از سوی مراکز علمی ایران دربرداشت.

۵. تاریخ عمومی

در میان تألیفات تاریخی گزارش شده از عالمان شیعه، آثاری به چشم می‌خورد که از جامعیت برخوردارند. این آثار، که از آنها به «تواریخ عمومی» یاد می‌شود، شامل کتاب‌هایی است که در محدوده یک موضوع نمی‌گنجند. به عبارت بهتر، تواریخ عمومی، کتبی هستند که مقید به هیچ قیدی از زمان، مکان، شخص و موضوع مشخص نیستند (امامی فر، ۱۳۸۳، ص ۵۲). از این روست که برخی از محققان،

یک قرن فاصله، از اواسط قرن چهارم با تألیف دو کتاب *اخبار صاحب الزنج و اخبار السید*، اثر *احمد بن ابراهیم بن معلی* (م ۳۵۰ق) اتفاق افتاد. در کنار همت والای عالمان حوزه عراق، وجود تنها یک اثر از مکتب قم نشانگر بی‌رغبتی حوزه ایران در این باب از کتب تاریخی است.

در تحلیل تاریخ‌نگاری پس از ظهور اسلام، باید گفت: که تاریخ‌نگاری درباره ائمه اطهار^ع (تک‌نگاری و جامع‌نگاری) بیشترین حجم از آثار تاریخی مؤلفان شیعه در پنج قرن نخست است. سیره نبی اکرم^ص مبحث دیگری است که تألیفات متعددی را به ارمغان آورده است. اخبار دوران خلفا و حوادث مهم این دوران نیز از آنجاکه با تاریخ تشیع ارتباط تنگاتنگی داشته توجه مؤلفان و مورخان شیعه را جلب کرد، همچنان که در خصوص تاریخ دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس بیشتر نگارش‌ها حول حوادث تأثیرگذار این دو دوره صورت پذیرفته که برای جامعه شیعیان دارای پیامدهای مهمی بوده است.

در خصوص نقش حوزه‌های حدیثی نیز باید گفت: هریک از مراکز علمی شیعه، چه در عراق و چه در ایران، سهمی در نگاشته‌های تاریخی برعهده دارند. اما در این بین، نقش مراکز علمی حوزه عراق، به‌ویژه مکتب کوفه بسیار مشهود و غیرقابل چشم‌پوشی است؛ چنان‌که تاریخ‌نگاری شیعه در پنج سده ابتدایی، مرهون تلاش‌های عالمان مکتب کوفه است. البته عالمان این دیار هم در نگارش‌های تاریخی خود، عملکرد یکسانی نداشتند؛ مثلاً، برای عالمان کوفه تاریخ زندگانی ائمه معصوم^ع، سیره نبوی و حوادث دوران خلفا در اولویت قرار داشت و در سایر مباحث حضور کم‌اثرتری دارند. دیگر مراکز علمی حوزه عراق مانند بغداد و بصره، هریک به فراخور خود، کوشش‌هایی را از خود بروز داده‌اند و برخلاف کم‌فروغی مشهود در نگارش آثار پیش از اسلام از این دو حوزه، در نگارش این دست از آثار، حضور مؤثرتری از خود نشان داده‌اند.

در مکتب بغداد، در بیشتر موضوعات - بجز مبحث تاریخ ائمه^ع و دوران بنی‌عباس - فعالیت عالمان از قرن سوم به بعد بوده است. در این مکتب، توجه به تاریخ امامان^ع - به‌ویژه جامع‌نگاری در این‌باره که مرهون عالمان این دیار است - و سیره‌نویسی دارای اهمیت بسزایی بوده است و این را می‌توان از آثار متعدد نگاشته‌شده ملاحظه کرد. برخلاف عالمان مکتب کوفه، که به حوادث دوران خلفا بسیار توجه کرده‌اند، اما برای عالمان بغدادی بجز یک اثر، تألیفی گزارش نشده که این امر نشانگر بی‌رغبتی عالمان این سرزمین نسبت به این

۵. حوزه‌های حدیثی شیعه، چه در مجموع و چه هر یک به‌تنهایی، در خصوص تألیف هر یک از موضوعات تاریخی، چه آثار مربوط به پیش از اسلام و چه پس از اسلام، عملکرد یکسانی نداشته‌اند.

۶. جمع‌بندی بررسی نقش‌های حوزه‌های حدیثی شیعه در مناطق گوناگون، نشان می‌دهد تاریخ‌نگاری شیعه در پنج سده ابتدایی مرهون تلاش‌های عالمان مراکز علمی حوزه عراق است، و در این بین، مکتب کوفه نقش بی‌بدیلی را از خود بروز داده است. در مقابل، مراکز علمی ایران در تاریخ‌نگاری شیعه حداقل مشارکت را داشته‌اند.

سده‌های نخست را عاری از این نوع کتاب‌های تاریخی دانسته و تألیفات نوشته‌شده در این دوره زمانی را در حد تک‌نگاری‌هایی حول یک رویداد برشمرده و شروع کتاب‌هایی از این دست را از اواخر قرن دوم و به‌طور مشهود و ملموس‌تر، از سده سوم می‌دانند. این آثار، وام‌دار رساله‌ها و کتابچه‌های تألیفی قرون ابتدایی است (جعفریان، ۱۳۹۰، ص ۱۶). هرچند *تاریخ یعقوبی* در شیعه و *تاریخ طبری* در میان آثار عامه، شواهدی مناسب برای این نوع از کتب محسوب می‌شوند، اما مصداقی که در دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی برای تواریخ عمومی مناسبت دارد، عبارت است از: دو کتاب *اخبار الزمان من الأمم الماضية و الأحوال الخالصة و مروج الذهب و معادن الجواهر*، اثر مسعودی مورخ قرن چهارم هجری. همچنین در میان آثار مؤلفان شیعه، کتب متعددی با عنوان «کتاب التاریخ» وجود دارد که مقید به موضوع خاصی نشده است. شاید بتوان این دست از کتب را نیز در زمره تواریخ عمومی جای داد.

نتیجه‌گیری

۱. نگارش درباره تاریخ انبیاء، ایام‌العرب و انساب‌نگاری سه موضوعی است که نگارش‌های تاریخی شیعیان را درباره دوران پیش از اسلام تشکیل می‌دهد.
۲. توجه به سیره نبوی، تاریخ دوران خلفا (به‌ویژه خلیفه سوم، بیشتر در قالب مقتل‌نگاری) و حوادث مهم این دوران، مثل مسئله سقیفه و شورای شش نفره، همچنین تک‌نگاری در خصوص زندگانی و حوادث دوران هر یک از ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} و جامع‌نگاری در این زمینه، به‌علاوه توجه به عصر اموی و عباسی، به‌ویژه قیام‌های صورت‌گرفته در این دوران، بیشر تألیفات تاریخی عالمان شیعه درباره دوران پس از ظهور اسلام را شامل می‌شود.
۳. سیر تألیف آثار تاریخی نگاشته‌شده در موضوعات گوناگون، روند یکسان و ثابتی نداشته، بلکه سیر تألیفات حکایت از فرازونشیب‌ها و اقبال و ادبارهایی دارد که از سوی عالمان برای هر یک از این موضوعات در زمان‌های متفاوت صورت پذیرفته است.
۴. بیشتر تألیفات تاریخی شیعیان معطوف به تاریخ شیعه، یعنی زندگانی ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} بوده است تا تاریخ اسلام؛ و تألیف در سایر موضوعات نیز بیشتر به‌واسطه اثرگذاری‌شان بر تاریخ تشیع مطرح‌نظر مؤلفان و مورخان شیعه بوده است.

.....منابع

- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۹۰ق، *لسان المیزان*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ابن حنبل، احمد، بی تا، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، بیروت، دار صادر.
- ابن سعد، محمد بن، بی تا، *الطبقات الكبرى*، بیروت، دار صادر.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۸ق، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، بی تا، *الفهرست*، بی جا، بی تا.
- امامی فر، علی، ۱۳۸۳، *تاریخ نگاران شیعه تا پایان قرن هفتم*، قم، پارسایان.
- آقابزرگ طهرانی، محمد حسن، ۱۴۰۳ق، *النریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دارالأضواء.
- آئینه‌وند، صادق، ۱۳۸۷، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- برقی، احمد بن محمد، ۱۳۴۲، *رجال البرقی*، تهران، دانشگاه تهران.
- بغدادی، اسماعیل باشا، بی تا، *هدیة العارفين*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- تستری، محمد تقی، ۱۴۱۹ق، *قاموس الرجال*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- جعفریان، رسول، ۱۳۹۳، *منابع تاریخ اسلام*، تهران، علم.
- _____، ۱۳۹۰، *حیات فکری - سیاسی امامان شیعه*، تهران، علم.
- جوهری، احمد بن العزیز، بی تا، *السقیفه و فدک*، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه.
- حاجی خلیفه، بی تا، *کشف الظنون*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حراملی، محمد بن حسن، بی تا، *امل الأمل*، بغداد، مکتبه الأندلس.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۴۰۰ق، *معجم الأدباء*، بیروت، دارالفکر.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ق، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- داداش‌نژاد، منصور، ۱۳۸۶، «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، *نامه تاریخ پژوهان*، ش ۱۰، ص ۴۵-۸۸.
- دینوری، عبدالله بن مسلم، ۱۹۶۹م، *المعارف*، مصر، دار المعارف.
- راون، وین، ۱۳۹۱، «سیره و قرآن»، ترجمه نصرت نیل‌ساز، *آئینه پژوهش*، سال بیست و سوم، ش ۱۳۴، ص ۲۱۵.
- روزنتال، فرانتس، ۱۳۶۵، *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- زرکلی، خیرالدین، ۱۹۸۰م، *الأعلام*، بیروت، دار العلم للمالین.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۷، *کارنامه اسلام*، تهران، امیرکبیر.
- سجادی، صادق، ۱۳۸۰، «ایام العرب»، در: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سزگین، فؤاد، ۱۳۸۰، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۳ق، *دلائل الامامة*، قم، بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۲ق، *الفهرست*، بی جا، مؤسسه النشر الفقاهه.
- _____، ۱۳۷۳، *رجال الطوسی*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- _____، ۱۴۰۹ق، *اختیار معرفة الرجال*، مشهد، دانشگاه مشهد.
- عالی، محمدرضا، ۱۳۹۳، *انساب‌نگاری شیعه تا پایان قرن هفتم*، قم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- قاندان، اصغر، ۱۳۹۰، «تأثیر روایت ایام العرب بر مغازی و فتوح‌نگاری»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال سوم، ش ۹، ص ۷۱-۹۶.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب.
- کحاله، عمر رضا، بی تا، *معجم المؤلفین*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۸۳، *میراث مکتوب شیعه*، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۸۵ق، *مروج الذهب*، بیروت، دارالهیجره.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- نجاشی، احمد بن علی، ۱۴۰۸ق، *رجال النجاشی*، بیروت، دارالاضواء.
- واسطی بغدادی، احمد بن حسین، ۱۳۶۴، *الرجال لابن الغضائری*، قم، دارالحدیث.
- هدایت‌پناه، محمدرضا، ۱۳۹۵، *منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- یاوری سرتختی، محمدجواد، ۱۳۸۶، «مقتل‌نگاری شیعیان از آغاز تا پایان قرن پنجم هجری»، *تاریخ اسلام*، ش ۳۲، ص ۷-۴۰.